Religion and Health

ORIGINAL ARTICLE

2021, Vol: 9, No: 1, Pages: 65-76.

Analysis of Acquired Factors Affecting Temperament from the Perspective of Religious Texts and Traditional Medicine

Mohammad Mahdi Valizadeh[1*], Zahra Pirbalaie[2]

1- Scholar at the Level Four of the Seminary of Qom, PhD Student of Teaching Islamic Ethics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
2- Master of Islamic Ethics, Sedigheh Kobra Teacher Training Center, Qom, Iran

***Corresponding Author:**
Mohammad Mahdi Valizadeh
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Email:
valizadeh.maaref@gmail.com

Received: 06 Jul 2020
Revised: 18 Mar 2021
Accepted: 24 May 2021

Abstract

In medical knowledge, temperament refers to the moderate quality resulting from the action and reaction of contrasting elements. Every individual and ethnic group is diverse in terms of temperament. While temperament affects factors, it is also affected by them. Factors that affect human temperament are divided into two categories: acquired and non-acquired. Therefore, identifying and modifying the acquired factors plays an important role in controlling and managing human health.

Therefore, the present study aimed to comprehensively extract the acquired factors affecting temperament from the perspective of religious texts and analyze them using the achievements of traditional Muslim and non-Muslim medicine.

This study is descriptive and analytical which has been done by referring to religious texts and classical and modern medical scientific sources. The obtained information has been classified, analyzed, and processed.

The findings of this study indicated that issues such as nutrition, geographical environment, seasons, age, and mood are among the acquired factors affecting human temperament.

Keywords: Acquired, Affect, Factors, Iranian Medicine, Temperament, Traditional Medicine

▶ **Citation:** Valizadeh MM, Pirbalaie Z. Analysis of Acquired Factors Affecting Temperament from the Perspective of Religious Texts and Traditional Medicine. Religion and Health, Spring & Summer 2021; 9(1): 65-76 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

دین و سلامت
مقاله پژوهشی اصیل
دوره ۹، شماره ۱، سال ۱۴۰۰ صفحه: ۷۶-۶۵.

واکاوی عوامل اکتسابی مؤثر بر مزاج از دیدگاه متون دینی و طب سنتی

محمد مهدی ولی‌زاده[1]*، زهرا پیربالایی[2]

چکیده

در دانش پزشکی، مزاج بر کیفیت معتدل حاصل از کنش و واکنش عناصر متضاد اطلاق می‌شود. هر انسانی مزاجی دارد و افراد و اقوام بشری از نظر مزاج، متنوع و متفاوت هستند. مزاج علاوه بر اینکه بر عواملی تأثیر می‌گذارد، از برخی عوامل نیز اثر می‌پذیرد. عواملی که بر مزاج انسان اثرگذار هستند، به دو دسته اکتسابی و غیراکتسابی تقسیم می‌شوند. شناسایی و قدرت تغییر عوامل اکتسابی نقش بسزایی در کنترل و مدیریت سلامت انسان دارد.

در این پژوهش کوشش شده است به‌صورت جامع، عوامل اکتسابی مؤثر بر مزاج از دیدگاه متون دینی استخراج شود و با بهره‌گیری از یافته‌های طب سنتی مسلمان و غیرمسلمان، واکاوی و تحلیل شود.

روش مطالعه در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است که با مراجعه به متون دینی و منابع علمی پزشکی قدیم و جدید انجام شد و اطلاعات به‌دست‌آمده دسته‌بندی و تحلیل و پردازش شد. دستاورد این تحقیق حاکی از آن است که اموری مانند تغذیه، محیط جغرافیایی، فصل‌های سال، سن و حالات نفسانی از عوامل اکتسابی تأثیرگذار بر مزاج انسان به شمار می‌روند.

واژه‌های کلیدی: اکتسابی، تأثیر، طب ایرانی، طب سنتی، عوامل، مزاج

۱- دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری مدرسی معارف، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۲- کارشناس ارشد اخلاق اسلامی، مرکز تربیت مدرس صدیقه کبری (س)، قم، ایران

* **مؤلف مسئول:**
محمد مهدی ولی‌زاده
دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

Email:
valizadeh.maaref@gmail.com

دریافت: ۱۷ دی ۱۳۹۹
اصلاحات: ۲۸ اسفند ۱۳۹۹
پذیرش: ۰۳ خرداد ۱۴۰۰

◄ **استناد:** ولی‌زاده، محمد مهدی؛ پیربالایی، زهرا. واکاوی عوامل اکتسابی مؤثر بر مزاج از دیدگاه متون دینی و طب سنتی. دین و سلامت، بهار و تابستان ۱۴۰۰؛۹(۱): ۷۶-۶۵ (فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

مقدمه

بیان مسأله

هر انسانی مزاج خاصی دارد و افراد و اقوام بشری از لحاظ مزاج، متنوع و متفاوت هستند. مزاج انسان در اثر چهار خلط (صفرا، سودا، بلغم و دم) حاصل می‌شود. این‌ها برآیند فعالیت اندام و اعضای بدن هستند و با کم یا زیاد شدن هر کدام از این مواد، بدن انسان ویژگی متفاوتی از خود نشان می‌دهد. این بدان دلیل است که هر کدام از این اخلاط ویژگی متفاوتی از نظر سردی و گرمی دارند؛ مثلاً ویژگی سودا سرد و خشک و ویژگی دم گرم و تر است (۱ و ۲).

نظام معرفتی طب سنتی بر این اساس پی‌ریزی شده است که بیماری در اثر به‌هم‌خوردن تعادل خلط‌های چهارگانه یعنی صفرا، دم، بلغم و سودا به وجود می‌آید. تشخیص و تنظیم مزاج افراد در دیدگاه طب سنتی مهم ترین عامل حفظ سلامتی و درمان بیماری‌هاست. علم مزاج‌شناسی یکی از مفاهیم پایه‌ای طب سنتی است. در مکتب طب سنتی ایران دیدگاه مزاجی وجود داشته و مزاج تنها عامل تفاوت‌های میان‌فردی شناخته شده است. ازاین‌رو بسیاری از دستورهای حفظ سلامتی و روش‌های تشخیص و درمان بر اساس مزاج افراد تعیین می‌شود. طبق این دیدگاه، عوامل متعددی بر نوع مزاج افراد اثرگذار است و مزاج را دچار تغییر می‌سازد. این عوامل به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ برخی از این امور اکتسابی و برخی غیر اکتسابی هستند. جستار حاضر درصدد است به این پرسش که عوامل اکتسابی مؤثر بر مزاج کدام‌اند، پاسخ علمی و دینی مستند ارائه دهد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

شناسایی و قدرت تغییر عوامل اکتسابی نقش بسزایی در کنترل و مدیریت سلامت انسان دارد؛ زیرا عوامل اکتسابی برخلاف عوامل غیراکتسابی ازجمله عوامل محیطی هستند که از طریق اراده و اختیار انسان بر مزاج او تأثیر چشمگیر می‌گذارند؛ یعنی انسان در مواجهه با این عوامل با نحوه عملکرد و قدرت تغییر و انتخاب خود می‌تواند اعتدال مزاج خویش را ایجاد یا حفظ کند و درنتیجه در حفظ یا بازیابی سلامت و حتی در ایجاد زندگی سالم نقش مؤثری داشته باشد. به‌طور کلی، بررسی عوامل اکتسابی مؤثر بر مزاج روشن می‌سازد که چه عواملی به‌صورت اکتسابی و ارادی بر مزاج انسان تأثیر دارند و افراد با آگاهی‌یافتن از نقش این عوامل می‌توانند با تلاش و اراده خود بر مزاجشان تأثیرات مناسب و مطلوبی بگذارند و مزاج بدن خود را مدیریت کنند.

پیشینه پژوهش

در زمینه عوامل اکتسابی مزاج تاکنون پژوهش مدون مرتبط و درخوری انجام نشده و تنها پژوهشی که به بخشی از مسئله اختصاص یافته است، مقاله «بررسی تأثیر اخلاق بر مزاج» نوشته غلامرضا نورمحمدی و زهرا پیربالایی است. در این پژوهش فقط به تأثیر عامل اخلاق بر مزاج اشاره شده و سایر عوامل تأثیرگذار بر مزاج بررسی نشده است. درحالی‌که نوشتار حاضر با رویکرد جامع پژوهشی درون‌دینی، همه عوامل اکتسابی مؤثر بر مزاج را استخراج، جمع‌آوری و تحلیل کرده است.

مواد و روش‌ها

روش مطالعه در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است که با مراجعه به متون دینی و منابع علمی پزشکی قدیم و جدید انجام شده است. گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای بود و اطلاعات به‌دست‌آمده دسته‌بندی و تحلیل و پردازش شده است. تحقیق پیش رو، نخست واژه مزاج را مفهوم‌شناسی می‌کند و در گام بعد، پنج عامل اکتسابی مؤثر بر مزاج را از متون دینی و متون طب سنتی استخراج و از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان و با بهره‌گیری از یافته‌های طب سنتی بررسی و تحلیل کرده است.

یافته‌ها و بحث

۱. مفهوم‌شناسی مزاج

مزاج در لغت به معنای سرشت، طبیعت، حالت

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

طبیعی بدن (۳)، مخلوط‌شدن (۴) آمیزش، آمیخته‌شدن چیزی به چیز دیگر (۵) است؛ بنابراین، مزاج به معنای در هم آمیختن دو یا چند شیء برای ایجاد ترکیب جدیدی است.

در معنای اصطلاحی مزاج، تعاریف گوناگونی از سوی حکما مطرح شده است (ر.ک: ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰). به‌طورکلی در ارزیابی تعاریف موجود مزاج را می‌توان چنین معرفی کرد: کیفیتی است که درنتیجه کنش و واکنش بین کیفیت‌های متضاد عناصر به وجود می‌آید. هنگامی که این واکنش متقابل به اندازه مقتضی متوقف شود، یعنی عناصر متضاد به مسالمت با یکدیگر برسند، هر گاه یک عنصر با نیروها در عنصر دیگر به کنش و واکنش ادامه دهد، کیفیت جدیدی به وجود می‌آید که به همه آن عناصر شباهت دارد و مزاج نامیده می‌شود.

۲. عوامل اکتسابی مؤثر بر مزاج

مزاج مانند اخلاق بر برخی از امور تأثیر دارد و از برخی از امور نیز اثر می‌پذیرد. مواردی که بر مزاج انسان تأثیر می‌گذارد به دو دسته تقسیم می‌شوند: برخی از این امور اکتسابی و برخی غیر اکتسابی هستند. در این تحقیق به بررسی عوامل اکتسابی مؤثر بر مزاج پرداخته می‌شود. این عوامل اکتسابی عبارت‌اند از:

۲-۱. تغذیه

نوع تغذیه انسان یکی از عوامل مهم اکتسابی است که بر مزاج انسان تأثیر می‌گذارد. غذایی که انسان از آن استفاده می‌کند، در مزاج او تأثیر دارد؛ زیرا غذاها نیز مزاج دارند و در انواع مزاج‌های انسانی تأثیر دارند. در بعضی مزاج‌ها، خوردن غذای نامناسب مشکلات بسیاری را ایجاد می‌کند. ممکن است غذای ناسازگار با مزاج فرد، موجب تغییر در خواب، حالات عصبی، فراموشی، مشکل در هضم غذا و دفع آن، ناراحتی‌های پوستی و ... در او شود؛ بنابراین، برای اینکه فرد تغذیه مناسبی داشته باشد، حتماً باید با نوع مزاج خود و طبیعت مواد غذایی از نظر سردی، گرمی، رطوبت و خشکی آشنایی داشته باشد. در این بخش به بررسی دیدگاه‌های موجود در زمینه نقش تغذیه در مزاج می‌پردازیم.

۲-۱-۱. دیدگاه متون دینی

در زمینه تأثیر تغذیه بر طبع و مزاج انسان روایاتی از معصومان علیهم‌السلام نقل شده است. امام رضا علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «کسی که می‌خواهد بلغم را از خود دور کند، هر روز مقداری جوارش - ادویه‌جات تند مثل فلفل و زیره- بخورد» (۱۱).

حضرت در روایت دیگری در فصل بهار که مزاج دم غلبه دارد، استفاده از انواع غذاهای سرخ‌کردنی، گوشت‌های لطیف، نوشیدنی‌های خنک، سرکه و ترشیجات؛ در فصل تابستان که مزاج صفرا غلبه دارد، گوشت پرندگان، گوشت ماهی، بز و بره، لبنیات، سبزیجاتی مثل کاسنی، خرفه و خیار و میوه‌های مرطوب و ترش؛ در فصل پاییز که مزاج سودا غلبه دارد، گوشت‌های معتدل مثل گوشت بز و گوسفند، نوشیدنی‌های معتدل و غذاهای شیرین و در فصل زمستان که مزاج بلغم غلبه دارد، خوردن غذاها و سبزیجات گرم و نوشیدن آب گرم را توصیه کرده و استفاده از غذاهای سرد را نهی کرده‌اند (۱۱ و ۱۲).

امام علی علیه‌السلام نیز درباره تأثیر برخی از غذاها بر مزاج فرموده‌اند: «سه چیز بلغم را از بین می‌برد؛ قرائت قران، کندر و عسل» (۱۳ و ۱۴). امام صادق علیه‌السلام نیز در این زمینه می‌فرمایند: «چهار چیز مزاج را معتدل می‌کند؛ انار سورانی، خرمای نارس پخته، بنفشه و کاسنی» (۱۲ و ۱۵).

از دیدگاه متون دینی هر کدام از غذاها طبع و مزاج خاص و متفاوتی دارند و مزاج غذاها نیز بر مزاج انسان تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، هر انسانی برای رسیدن به اعتدال در مزاج باید از غذاهایی استفاده کند که مطابق طبع و مزاجش باشد (۱۶).

۲-۱-۲. دیدگاه طب سنتی

پزشکان سنتی مسلمان و غیر مسلمان نیز در زمینه

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

تأثیر تغذیه بر مزاج نظراتی دارند که در این قسمت به بیان و بررسی این نظرات و دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

الف) پزشکان مسلمان

پزشکان سنتی مسلمان نوع غذا و تغذیه انسان را یکی از عوامل تأثیرگذار بر مزاج می‌دانند. از این میان می‌توان به حکیمانی ازجمله زکریای رازی، علی‌بن سهل طبری، ابوبکر اخوینی، ابن‌سینا، اسماعیل جرجانی و محمود چغمینی اشاره کرد.

از دیدگاه زکریای رازی غذاهای گرم، سرد، خشک و لطیف بر مزاج معده تأثیر می‌گذارد؛ برای مثال، غذاهای لطیف باعث رطوبت معده و غذاهای خشک باعث خشکی معده می‌شود. همچنین از نظر ایشان استفاده از ادویه‌جات و غذاهای گرم باعث ایجاد گرما و حرارت بدن (۱۷)، خردل و سیر باعث تولید صفرا، عدس، کلم، گوشت گاو و بز باعث تولید سودا و قارچ وگوشت‌های نرم باعث تولید بلغم می‌شوند (۱۸). از دیدگاه رازی کسی که دموی‌مزاج است، به غذای کم و باکیفیت؛ کسی که صفراوی‌مزاج است، به غذاهای سرد و مرطوب؛ کسی که بلغمی‌مزاج است، به غذاهای گرم و خشک و کسی که سوداوی‌مزاج است، به غذاهای مرطوب نیاز دارد (۱۷).

از نظر طبری، اخوینی و چغمینی، خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های مرطوب و سرد و تر باعث تولید بلغم، غذاهای گرم و خشک باعث خشکی بدن و تولید صفرا، غذاهای گرم و مرطوب باعث تولید دم و غذاهای سرد وخشک باعث تولید سودا در بدن می‌شود (۱۹، ۲۰، ۲۱).

از نظر ابن‌سینا نیز سلامتی بدن تابع اعتدال مزاج است و یکی از عوامل اعتدال مزاج، نوع تغذیه یعنی نوع خوراکی‌ها و نوشیدنی‌هاست (۲۲). او معتقد است غذاها و نوشیدنی‌های معتدل باعث تولید خون، غذاهای تند، پرچرب، شیرین، گرم و لطیف باعث تولید صفرا، غذاهای غلیظ، مرطوب، چسبنده و سرد باعث تولید بلغم و غذاهای گرم، غلیظ و کم‌رطوبت باعث تولید سودا در بدن می‌شوند (۸)؛ مثلاً، غذاهای گرم مثل عسل و شیر باعث گرما و غلظت خون و غذاهایی مثل ماش، جو، گوشت ماهی و گاو اگر مرطوب باشند، باعث تولید بلغم و اگر خشک باشند، باعث ایجاد سودا می‌شوند (۲۲). ازاین‌رو هر کدام از مزاج‌ها باید غذای متناسب خود را مصرف کنند.

جرجانی نیز معتقد است قدما برای درمان غلبه رطوبت بدن داروهای خشک و برای درمان غلبه خشکی بدن داروهای مرطوب تجویز می‌کردند (۲۳). همچنین از نظر او اگر غذا در کمیت و کیفیت معتدل باشد، مزاج کبد معتدل می‌شود و در تولید خون بهتر عمل می‌کند (۲۴).

ب) پزشکان غیرمسلمان

از میان پزشکان سنتی غیرمسلمان نیز جالینوس در این زمینه بر این باور است که نوع غذا و تغذیه انسان یکی از عوامل تأثیرگذار بر مزاج است. از نظر او غذاهای معتدل باعث اعتدال مزاج بدن می‌شود (۱۷).

در مجموع می‌توان گفت که نوع غذا و تغذیه انسان بر مزاج او تأثیر دارد؛ به‌طوری‌که غذاهای معتدل باعث اعتدال مزاج، غذاهای گرم و تر باعث ایجاد یا تشدید مزاج دم، غذاهای گرم و خشک باعث ایجاد یا تشدید مزاج صفرا، غذاهای سرد و تر باعث ایجاد یا تشدید مزاج بلغم و غذاهای سرد و خشک باعث ایجاد یا تشدید مزاج سودا می‌شوند. اگرچه عامل تغذیه بر مزاج تأثیر می‌گذارد، مدیریت این تأثیرگذاری از طریق اراده و اختیار انسان است؛ زیرا هر فردی می‌تواند از طریق آشنایی با روش مزاج‌شناسی و اصلاح روش‌ها و انواع تغذیه و دقت در انتخاب مواد غذایی مناسب، مانع تأثیرات منفی این عامل شود و سلامت خود را حفظ کند.

۲-۲. محیط جغرافیایی

یکی از عوامل اکتسابی که بر مزاج انسان تأثیر می‌گذارد، محیط جغرافیایی و نوع آب‌وهواست. هر منطقه و محیطی مزاج خاصی دارد و انواع مزاج‌های انسانی به‌صورت اکتسابی تأثیر می‌پذیرند. در این زمینه دیدگاه‌هایی بیان شده است که به آن اشاره می‌شود.

۲-۲-۱. دیدگاه متون دینی

امام رضا علیه‌السلام در زمینه تأثیر محیط جغرافیایی

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

بر مزاج می‌فرمایند: «مزاج انسان‌ها تابع تغییرات آب‌وهوای مکان‌هاست. زمانی که هوای سرد به هوای گرم یا هوای گرم به هوای سرد تغییر می‌کند، رنگ پوست صورت و بدن نیز تغییر می‌کند. این تغییر ناشی از تغییر مزاج است که بر اثر تغییرات هوا ایجاد می‌شود. پس اگر هوا معتدل باشد، مزاج بدن نیز معتدل است» (۱۱).

به استقرای نویسندگان، مستندات دینی قابل توجهی در این بخش یافت نشد. به‌طورکلی می‌توان برداشت کرد که از نظر اهل بیت علیهم‌السلام آب‌وهوای مکان‌ها و محیط جغرافیایی بر بدن و مزاج انسان تأثیر می‌گذارد؛ به‌طوری‌که هوای معتدل باعث اعتدال مزاج و هوای سرد و گرم باعث تغییرات خاص مزاجی می‌شود.

۲-۲-۲. دیدگاه طب سنتی

پزشکان مسلمان ازجمله حنین‌بن اسحاق، زکریای رازی و زهراوی معتقدند که بادها، مکان‌ها و محیط جغرافیایی بر مزاج انسان تأثیر می‌گذارند. از این میان، باد شمال سرد و تر، باد جنوب گرم و تر، باد صبا معتدل و مایل به گرم و خشکی و باد دبور معتدل و مایل به سرد و تری است. هوای منطقه شمال سرد، جنوب گرم، شرق و غرب نیز معتدل است. ارتفاعات سردتر و دامنه‌ها گرم‌تر است. از سواحل دریاها نیز دریای جنوب گرم و مرطوب و دریای شمال سرد و مرطوب است. از مناطق کوهستانی نیز کوه‌های جنوب به‌خاطر وزش بادهای جنوبی سردتر و کوه‌های شمال به خاطر وزش بادهای شمالی گرم‌تر هستند. از نظر نوع طبیعت خاک نیز زمین‌های سنگی و صخره‌ای سرد و خشک، زمین‌های گچی گرم و خشک و زمین‌های با خاک رس سرد و مرطوب هستند (۱۸، ۲۵، ۲۶). طبری نیز با پذیرش محیط جغرافیایی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در مزاج، در این زمینه معتقد است که مکان‌های گرم و مرطوب باعث ایجاد مزاج دم، مکان‌های گرم و خشک باعث ایجاد مزاج صفرا، مکان‌های سرد و مرطوب باعث ایجاد مزاج بلغم و مکان‌های سرد و خشک باعث ایجاد مزاج سودا می‌شوند (۱۹).

ابن‌سینا نیز بر این باور است که طبیعت و آب‌وهوای مناطق مختلف بر مزاج ساکنانش تأثیر می‌گذارد؛ برای مثال مناطق نزدیک به دریا آب‌وهوای معتدل و مرطوب و مناطق خشک نیز آب‌وهوای خشک دارند و ساکنانش نیز مزاج خشکی دارند، همچنین مزاج مناطق شمالی و کسانی که با آب سروکار دارند (مناطق دریایی و مناطق باران‌زا)، مرطوب‌تر و در مقابل، مزاج مناطق جنوبی و کسانی که با کمبود آب مواجه هستند، خشک‌تر است (۸).

جرجانی در این‌باره می‌گوید: «نوع مزاج زمین‌ها و مناطق مختلف و نوع آب‌وهوا در مزاج افراد تأثیر دارد و تفاوت در اقلیم و محیط باعث تفاوت در مزاج افراد می‌شود؛ برای مثال، هوای معتدل باعث اعتدال مزاج بدن، هوای گرم باعث افزایش گرما و سوزاندن اخلاط بدن و هوای خشک باعث افزایش صفرا در بدن می‌شود» (۲۳، ۲۷).

براین اساس در مجموع می‌توان گفت که انواع مناطق جغرافیایی و انواع آب‌وهوا به دلیل اینکه طبیعت و مزاج خاصی دارند، بر مزاج ساکنان تأثیر می‌گذارند، ولی این تأثیرگذاری از طریق اراده و اختیار انسان است و اگر انسان اراده کند، از طریق آشنایی با روش مزاج‌شناسی، اصلاح روش‌های تغذیه مطابق با نوع منطقه جغرافیایی یا مهاجرت به منطقه جغرافیایی سازگار با مزاج می‌تواند مانع تأثیرات منفی این عامل شود.

۲-۳. فصل‌های سال

یکی دیگر از عوامل اکتسابی که بر مزاج انسان تأثیر می‌گذارد، تغییر فصل‌های سال است. هر فصلی از سال طبیعت و مزاج متفاوتی دارد و در انواع مزاج‌های انسانی تأثیرگذار است. درباره این مطلب می‌توان به نظر ابن‌سینا استناد داد. از نظر ایشان مزاج ثانوی (عارضی یا اکتسابی) مزاجی است که از چیزهایی که مزاج دارند تشکیل می‌شود. فصول سال نیز از این موارد است (۸).

۲-۳-۱. دیدگاه متون دینی

امام رضا علیه‌السلام در سخنی در زمینه تأثیرات

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

فصول بر مزاج چنین بیان کرده‌اند: «فصل بهار فصل هیجان و غلبه دم، آغاز فصل تابستان فصل غلبه مزاج صفرا، آغاز فصل پاییز فصل غلبه مزاج سودا و وسط زمستان موجب غلبه مزاج بلغم است» (۱۱، ۱۲).

ازاین‌رو از دیدگاه متون دینی می‌توان یکی از عوامل اکتسابی اثرگذار بر مزاج را تغییرات فصلی دانست. از نظر متون دینی به علت اینکه هر یک از فصول سال مزاج متفاوتی دارد، در مزاج انسان نیز تأثیرات متفاوتی ایجاد می‌کند.

۲-۳-۲. دیدگاه طب سنتی

در زمینه تأثیر تغییرات فصول بر مزاج، پزشکان سنتی مسلمان و غیرمسلمان نظراتی را بیان کرده‌اند که در این قسمت به تبیین و بررسی این دیدگاه‌ها می‌پردازیم.

الف) پزشکان مسلمان

برخی از پزشکان مسلمان از قبیل زکریای رازی، ابن‌سینا و جرجانی به تأثیر فصول بر مزاج معتقد هستند. مزاج فصل بهار معتدل یا گرم و تر، مزاج تابستان گرم و خشک، مزاج پاییز سرد و خشک یا خشک و معتدل و مزاج زمستان سرد و تر است (۸، ۱۷، ۱۸، ۲۷). حکیمانی مانند حنین‌بن اسحاق، رهاوی، طبری، مجوسی، زهراوی، جرجانی و چغمینی با اذعان به همین نکته گفته‌اند: «اگر انسان مراقب مزاج خود نباشد، دچار مشکلات و بیماری‌های این فصل‌ها خواهد شد» (۱۹، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹).

مطالعه برخی پژوهشگران طب سنتی نیز این یافته را تأیید می‌کند؛ نتایج این پژوهش حاکی از آن است که فصل بهار گرم و تر است و در این فصل افرادی که مزاج گرم و تر دارند، به علت غلبه حرارت و رطوبت دچار مشکلات مزاجی می‌شوند. فصل تابستان نیز گرم و خشک است و در این فصل علائم گرمی و خشکی در افراد با مزاج گرم و خشک بیشتر می‌شود؛ بنابراین، استفاده از غذاهای سرد و تر مانند لبنیات، آبمیوه و هندوانه در این فصل برای آن‌ها مفید است. فصل پاییز سرد و خشک است و به علت غلبه سردی و خشکی در این فصل استفاده از غذاهای گرم و مرطوب مانند گوشت گوسفند مفید است. فصل زمستان به علت سرد و تر بودن، زمینه‌ساز تشدید یا بروز بیماری‌های بلغمی است (۳۰).

ب) پزشکان غیرمسلمان

از پزشکان غیرمسلمان نیز افرادی مثل جالینوس و بقراط به انواع مزاج فصول معتقد هستند. مزاج فصل بهار معتدل یا گرم و تر، مزاج تابستان گرم و خشک، مزاج پاییز سرد و خشک یا خشک و معتدل و مزاج زمستان سرد و تر است (۳۱).

با توجه به مطالب مذکور، فصل‌ها به دلیل اینکه طبع و مزاج دارند، بر مزاج افراد نیز تأثیر می‌گذارند. باید توجه داشت که این تأثیرگذاری از طریق اراده و اختیار انسان است و اگر انسان اراده کند می‌تواند از طریق آشنایی با روش مزاج‌شناسی و اصلاح روش‌های تغذیه مطابق با مزاج فصول سال، مانع تأثیرات منفی این عامل شود.

۲-۴. سن

یکی دیگر از عوامل اکتسابی که بر مزاج انسان تأثیر می‌گذارد، عامل سن است؛ یعنی هر مقطعی از سن انسان مزاج خاصی دارد و این عامل بر مزاج انسان به‌صورت اکتسابی و از طریق اراده انسان تأثیر می‌گذارد. در این زمینه دیدگاه‌هایی بیان شده است که به آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۴-۱. دیدگاه متون دینی

امام رضا علیه‌السلام در زمینه تأثیر سن افراد بر مزاج چنین بیان می‌کنند: «حالت‌هایی که خداوند انسان را بر آن آفریده و به آن متصرف گردانیده است، چهار حالت است؛ حالت اول سن ۱۵ سالگی یعنی دوران جوانی، طراوت و شادابی است که در این مدت خون در مزاج انسان بر سایر اخلاط غالب است. حالت دوم از ۱۵ تا ۳۵ سالگی است که دوران غلبه صفراست. حالت سوم نیز ۳۵ تا ۶۰ سالگی است که در آن سن، سودا غلبه می‌کند.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

حالت چهارم نیز ۶۰ سالگی به بعد است که در این سن بلغم غلبه می‌کند» (۱۱).

از نظر متون دینی، هر دوره سنی مزاج متفاوت و خاصی دارد و انسان‌ها به دلیل قرارگرفتن در هر دوره سنی مزاج متفاوتی خواهند داشت. البته این حدیث به‌عنوان یک شاهد می‌تواند مفید واقع شود (۳۲).

۲-۴-۲. دیدگاه طب سنتی

در زمینه تأثیر دوره سنی افراد بر مزاج، پزشکان سنتی مسلمان و غیر مسلمان نظراتی را بیان کرده‌اند که در این قسمت به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

الف) پزشکان مسلمان

برخی از پزشکان مسلمان نظراتی را در زمینه تأثیر سن بر مزاج بیان کرده‌اند. زکریای رازی معتقد است سن یکی از عوامل تأثیرگذار بر مزاج انسان است؛ برای مثال در سن کودکی مزاج انسان گرم و تر است و در سن میان‌سالی سودا بر مزاج انسان غلبه می‌کند (۱۷).

از نظر ابن‌سینا انسان از لحاظ سنی چهار دوره دارد؛ دوره اول از تولد تا نزدیک ۳۰ سالگی است که سن رشد است و مزاج آن معتدل یا حرارت است. دوره دوم دوران جوانی یعنی از سن ۳۰ تا ۴۰ سالگی است و مزاج این دوران صفرا است. دوره سوم نیز دوران میان‌سالی یعنی ۴۰ تا ۶۰ سالگی و دوره چهارم دوران پیری یعنی ۶۰ سالگی به بعد است که مزاج این دو دوران سرد و خشک است (۸).

پزشکان و حکیمان دیگر ازجمله حنین‌بن اسحاق، اسحق‌بن علی رهاوی، علی‌بن عباس مجوسی، خلف‌بن عباس زهراوی و ابوسهل مسیحی معتقدند مزاج دوران کودکی گرم و تر، مزاج دوران جوانی گرم و خشک، مزاج دوران میان‌سالی سرد و خشک و مزاج دوران پیری سرد و تر است (۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۳).

از نظر جرجانی نیز مزاج انسان از کودکی تا جوانی گرم و تر و در جوانی گرم و خشک است و از جوانی به بعد گرمای بدن کم می‌شود و در دوران پیری نیز گرما و تری بدن هر دو کمتر می‌شود (۲۷). همچنین از نظر چغمینی مزاج کودکان گرم و تر، مزاج جوانان گرم و خشک و مزاج میان‌سالان و پیران سرد و خشک است (۳۴).

بهاءالدوله رازی نویسنده خلاصه‌التجارب بر این باور است که مزاج انسان در دوران نوزادی از نظر گرمی و تری در بیشترین حد ممکن است. مزاج کودکی نیز گرم و تر است، اما میزان آن از دوران نوزادی کمتر است. در دوران نوجوانی نیز مقدار گرما و تری بدن کم می‌شود. ۱۷ تا ۴۰ سالگی نیز سن جوانی است و مزاج این دوران گرم و خشک است. بعد از ۴۰ تا ۶۰ سالگی سن میان‌سالی است که مزاج سرد و خشک‌تر می‌شود و بعد از آن نیز سن پیری است که مزاج آن در نهایت سردی و خشکی، ضعف و نقصان است (۳۵).

عقیلی علوی حکیم قرن سیزدهم معتقد است که سن انسان چهار مرحله دارد؛ مرحله اول از ابتدای تولد تا ۲۸سالگی است که سن رشد و نمو بوده و مزاج آن گرم و مرطوب است. مرحله دوم از ۲۸ تا ۴۰ سالگی است که سن جوانی بوده و مزاج آن گرم و خشک است. مرحله سوم نیز از ۴۰ تا ۶۰ سالگی است که سن میان‌سالی بوده و مزاج آن سرد و خشک است. مرحله چهارم نیز بعد از ۶۰ سالگی و دوران پیری است و مزاج آن در سردی و خشکی بیشتر از دوران میان‌سالی است؛ به همین دلیل دوران پیری نهایت نقصان و ضعف انسان است (۳۶).

ب) پزشکان غیرمسلمان

از میان پزشکان غیرمسلمان نیز جالینوس درباره تأثیر دوره سنی افراد بر مزاج آن‌ها معتقد است که مقطع سنی افراد در مزاج آن‌ها تأثیر می‌گذارد. از نظر ایشان سن کودکی زمان غلبه دم، سن جوانی زمان غلبه صفرا، سن میان‌سالی زمان غلبه سودا و دوران پیری نیز زمان غلبه بلغم است (۳۱).

در مجموع دیدگاه‌های بیان‌شده می‌توان گفت که مراحل سنی انسان هر کدام مزاج متفاوتی دارند و مزاج انسان نیز در هر یک از این دوران از مزاج خاص آن دوران تأثیر می‌پذیرد. این تأثیرگذاری از طریق اراده و اختیار انسان است و انسان از طریق آشنایی با روش

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

مزاج‌شناسی و اصلاح روش‌های تغذیه مطابق با دوره سنی خاص می‌تواند مانع تأثیرات منفی این عامل شود.

۲-۵. حالات نفسانی

یکی از عوامل مؤثر در نوع مزاج انسان، حالات نفسانی و اخلاق او است. در این زمینه از دیدگاه دینی (۱۲ و ۳۷) و همچنین دیدگاه اندیشمندان اسلامی (ر.ک: ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱) اخلاق به دو نوع طبیعی و اکتسابی (عادت) تقسیم می‌شود. در این بخش به بررسی تأثیر حالات نفسانی و اخلاق اکتسابی بر مزاج انسان می‌پردازیم.

۱-۵-۲. دیدگاه متون دینی

در آیات قرآن کریم به تأثیر حالات و انفعالات نفسانی بر مزاج اشاره مستقیم نشده، ولی در برخی از آیات ({۴۲} یوسف/۸۴؛ احزاب/۱۰؛ ملک/۲۷) به تأثیر آن‌ها بر بدن اشاره شده است؛ یعنی انفعالات نفسانی مثل غم، اندوه، ترس، اضطراب، حسرت و ناامیدی باعث ایجاد تأثیرات منفی در جسم و بدن انسان می‌شود (۴۳).

در بعضی از روایات معصومان علیهم‌السلام به تأثیر بعضی از صفات اخلاقی بر بدن و مزاج جسمانی اشاره شده است. امام علی علیه‌السلام حسد را باعث رنجودگی (۴۴، ۴۵) و گداخته‌شدن جسم (۴۴) بیان کرده‌اند. ممکن است منظور از رنجودگی و گداخته‌شدن بدن، لاغری بدن باشد که به سبب غم و اندوه ایجاد می‌شود؛ یعنی رذیله حسد باعث خشکی مزاج می‌شود. در سخن دیگری از ایشان نقل شده است: «سلامتی بدن از کمی حسد است» (۴۶)؛ کسی که حسادتش کم است، جسمش همیشه سالم است؛ اما کسی که زیاد حسادت می‌ورزد، عوارض نفسانی مثل رنج رقابت و خشم درونی، جسم او را بیمار می‌کند؛ زیرا مزاج بدن تابع حالات نفس است (۴۷). شخص حسود به واسطه نعمت‌های زیادی که به شخص صاحب نعمت داده می‌شود، همیشه غمگین است و این مسئله باعث کمبود خواب، ایجاد فکر زیاد، فشار و سختی در زندگی، کمی آسایش و تنگی عرصه برای او می‌شود و شادی او از بین می‌رود و درنهایت این امور باعث فساد مزاج او می‌شود (۴۸).

۲-۵-۲. دیدگاه طب سنتی

برخی از پزشکان و حکیمان سنتی معتقدند که افعال نفسانی و اخلاق انسان بر جسم و مزاج او تأثیر می‌گذارد و این تأثیرگذاری از طریق رابطه بین نفس و بدن است؛ یعنی افعال و عملکرد بدن بر نفس انسان و افعال نفس نیز بر بدن او تأثیر دارد.

الف) پزشکان مسلمان

از دیدگاه زکریای رازی مزاج انسان تابع اخلاق و حالات نفس او است. از نظر ایشان، پزشک حتی اگر به سلامتی بیمار خود یقین نداشته باشد، همچنان باید او را به سلامتی تشویق و تلقین کند؛ چراکه مزاج جسمانی از اخلاق نفس تأثیر می‌پذیرد و این تشویق و تلقین در سلامتی جسمی فرد تأثیر دارد (۱۷، ۴۹). رازی یکی از عوامل مؤثر بر بدن و جسم انسان را عوارض نفسانی مانند شادی، غم، ترس و غضب می‌داند (۵۰). از نظر رازی یکی از عوامل درونی که باعث ایجاد حرارت بدن می‌شود، حرکات و افعال بدنی و نفسانی انسان است؛ برای مثال، انفعالات نفسانی مانند خستگی، اطمینان، خشم، غم، نگرانی و وحشت باعث ایجاد حرارت در بدن می‌شود (۱۷). زکریای رازی برخی از صفات و رذایل نفسانی را باعث ایجاد ضررهای جسمانی می‌داند؛ برای مثال، رذیله حسد باعث ایجاد ضررهای جسمانی و فساد مزاج انسان می‌شود؛ غم و اندوه نیز باعث آزار نفس و جسم انسان می‌شود؛ رذیله خشم نیز باعث کثیف‌شدن خون در عروق فرد عصبانی می‌شود (۵۱، ۵۲).

از نظر اخوینی خشم، شادی، غم و خجالت‌کشیدن باعث گرم‌شدن بدن می‌شود و آرامش همیشگی نیز باعث سردی بدن می‌شود (۲۰). ابن‌سینا معتقد است اعتدال در برخی از رفتارهای نفسانی از قبیل شادی، اندوه، خشم، کم‌رویی و پررویی باعث سلامت بدن و اعتدال مزاج انسان می‌شود. برخی از صفات زشت نفسانی مثل خشم، غم و ترس باعث

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

فساد مزاج بدن می‌شوند. از نظر ابن‌سینا، برخی از افعال و حرکات نفسانی مثل شادی، خشم و تخیلات باعث تحریک اخلاط بدن مثل دم، صفرا و سودا می‌شود (۸).

حکمایی مانند حنین‌بن اسحاق، طبری، مجوسی و چغمینی بر این باورند که حالات نفسانی ازجمله شادی، غم، غصه، نگرانی، ترس، خشم و شرم بر سلامتی و بیماری بدن و جسم انسان اثر می‌گذارند (۱۹، ۲۱، ۲۵، ۲۶، ۲۹)؛ برای نمونه، خشم و غم باعث گرم‌شدن و عدم تعادل مزاج و ناسلامتی بدن و شادی و خوشحالی باعث سلامتی و قوی‌شدن جسم و روح انسان می‌شوند.

جرجانی معتقد است همان‌طور که مزاج بد و سوءمزاج باعث بداخلاقی انسان می‌شود، اخلاق بد نیز باعث بدمزاجی انسان می‌شود (۲۷). از نظر او گرم و تر شدن مزاج انسان با شادشدن نفس تأثیرگذارتر و قوی‌تر از شادشدن نفس با گرمی و تری بدن است. همچنین سرد و خشک شدن مزاج جسمانی با غم و اندوه نفس قوی‌تر و تأثیرگذارتر از اندوه نفس با سردی و خشکی مزاج جسمانی است. همچنین تأثیر عوارض و افعال نفسانی بر بدن بیشتر و سریع‌تر از تأثیر غذاها، داروها، خواب و بیداری و سایر حرکات و افعال بدن است (۲۷).

ب) دیدگاه پزشکان غیرمسلمان

جالینوس معتقد است که عوارض نفسانی مزاج دارند؛ بنابراین، یکی از عواملی که باعث ایجاد تغییرات در بدن و مزاج انسان می‌شود، عوارض نفسانی مثل شادی، غم، نگرانی، خشم و حسد است. از دیدگاه او خشم و غضب باعث ایجاد تب و غلبه مزاج‌های گرم و صفراوی، غم و اندوه باعث اختلال در سلول‌های خون و ایجاد تب در بدن و ترس و نگرانی موجب رقیق‌شدن خون، کم‌شدن سلول‌های خون و ایجاد بیماری در بدن می‌شود. ایشان یکی از عوامل صحت بدن و اعتدال مزاج را تعادل در رفتارهای نفسانی مانند شادی، غم، نگرانی، خشم و حسد می‌داند (۳۱، ۵۳، ۵۴).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش عوامل اکتسابی مؤثر بر مزاج انسان از دیدگاه متون دینی و یافته‌های طب سنتی واکاوی و بررسی شد. طی این پژوهش، این نتیجه به‌دست آمد که به‌طورکلی پنج عامل اساسی بر مزاج اثرگذار است. خوراکی‌ها، محیط‌های جغرافیایی، فصل‌های سال، سن افراد و حالت‌های مختلف نفسانی طبیعتی دارند و بر مزاج انسان تأثیر می‌گذارند. از آنجا که هر یک از این امور اکتسابی و اختیاری هستند، انسان در مواجهه با این عوامل با نحوه عملکرد و قدرت تغییر و انتخاب خود می‌تواند اعتدال مزاج خویش را ایجاد یا حفظ کند و درنتیجه در حفظ یا بازیابی سلامتش و حتی در پدید آمدن زندگی سالم نقش مؤثری داشته باشد.

پیشنهادات

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌شود در درمان و پیشگیری از بیماری‌های حاصل از عدم اعتدال مزاج، از روش کنترل عوامل اکتسابی طبق متون طب سنتی استفاده شود.

حمایت مالی

این پژوهش بدون حمایت مالی انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش تمامی اصول اخلاقی مرتبط ازجمله محرمانه‌بودن پرسش‌نامه‌ها، رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان در پژوهش و اختیار خروج از پژوهش رعایت شده است. ضمن رعایت امانت‌داری در تحلیل، گزارش متون و استناددهی، تلاش شده است انتشار نتایج به دور از هرگونه سوگیری انجام شود.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که این مقاله با منافع هیچ شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی در تضاد نیست.

تشکر و قدردانی

در پایان از تمام کسانی که در انجام این پژوهش کمک کردند، قدردانی می‌کنیم..

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

References

1. Kheirandish H. Types of temperaments. Tehran: Ebtekar Danesh; 2014 (Persian).
2. Ali Gholipour J. Temperament. Qom: Mohammad Amin; 2015 (Persian).
3. Amid H. Farhang Amid. Tehran: Amirkabir Publishing; 1995 (Persian).
4. Manzoor I, Ibn Makram M. Language of the Arabs. Beirut: Dar Sader; 1994.
5. Dehkhoda AA. Dehkhoda dictionary. Tehran: Tehran University; 1998 (Persian).
6. Azdi A. Book of water. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2008.
7. Qusuni M. Dictionary of physicians and the honor of the Albums. Damascus: Arabic Language Complex; 2000.
8. Ibn Sina H. Law in medicine. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi; 2005.
9. Suhrawardi SA. Hikmat al-ishraq. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research; 1994.
10. Shirazi SA, Ibn Ibrahim M. The transcendent wisdom in the four mental journeys. Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi; 1981.
11. Imam Reza A. Medicine of Imam Reza. Qom: Dar al-Khayyam; 1982.
12. Majlisi MB. Behar al- Anvar. Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi; 1983.
13. Ibna Bastam AH. Medicine of the Imams (peace be upon them). Qom: Dar al-Sharif al-Radi; 1991.
14. Tabarsi F. Makarem Al-Akhlaq. Qom: Al-Sharif Al-Radi; 1991.
15. Ibn Babawayh M, Ibn Ali M. Al-Khesal. Qom: Society of Teachers; 1983.
16. Marzband R, Afzali MA. The orientation of health nutrition with emphasis on Quran teachings. Journal of Religion and Health. 2013; 1(1):9-18 (Persian).
17. Razi M. Al-Hawi in medicine. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi; 2001.
18. Razi M. Entrance to the medical industry. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2009.
19. Tabari A. Ferdows al-Hikma in medicine. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya; 2002.
20. Akhvaini R. Hedayat al-Mutalimin fi al-Tib. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad; 1992.
21. Chaghmini M. Summary of law in medicine. Beirut: Institute of Rhetoric; 2000.
22. Ibn Sina H. Repelling the evil of all on human servants. Damascus: The Institute of Arab Scientific Heritage; 1984.
23. Jorjani I. Principles and theoretical foundations of traditional medicine. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2004.
24. Jorjani I. Khafi Alaei. Tehran: Information; 1990 (Persian).
25. Ibn Ishaq H. Issues in medicine for teachers. Cairo: Egyptian Publications House; 1978.
26. Zahrawi K. Tasrif for those who are unable to write. Kuwait: Kuwait Foundation for Scientific Initiative; 2004.
27. Jorjani I. Khwarazmshahi reserve. Qom: Institute of Natural Medicine Rehabilitation; 2012 (Persian).
28. Rahawi I. Adab al-Tabib. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2008.
29. Majusi A. Complete medical industry. Qom: Jalal al-Din; 2008.
30. History of culture and civilization of Islam and Iran. Qom: Maaref Publishing Office; 2010 (Persian).
31. Singer PN. Galen, the exultation in the presence for the cure of diseases, translator and commentator: Hanin Ibn Ishaq. Cairo: The Egyptian Egyptian Public Library; 1982.
32. Dayyani Tilaki MS, Imami M. A novel approach to reference to medical narrations. Journal of Religion and Health. 2016; 3(2):59-66 (Persian).
33. Masihi AS. Water in medicine. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2005.
34. Chaghmini M. Fun of hearts. Lahore: Islamic Press; 2001.
35. Bahao al-Dole B. Summary of experiences. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 2003.
36. Aghili Alavi Shirazi MH. Kholasa al-Hekma. Qom: Ismaeelian, Founder of Readings in the History of Qizshi Islamic Medicine; 2006.
37. Koleini M. Al-Kafi. Tehran: Islamic Books House; 1987.
38. Meskawayh A. The purification of ethics and the purification of Iraq. Qom: The Beginning of Light; 2005.
39. Tusi ND. Nasserite ethics. Tehran: Islamic Seminary; 1993.
40. Ibn Maysam M. Explanation on one hundred words of Amir al-Mu'minin Ali Ibn Abi Talib (peace be upon him). Mashhad: Astan Quds Razavi; 1996.
41. Naraqi M. Jame al-saadat. Beirut: Scientific Foundation for Publications; 2004.
42. Holy Quran. Trans: Naser Makarem Shirazi. Tehran: Dar Al-Quran Publication; 2017.
43. Noormohamadi G, Pirbalaie Z. A study of the effect of morality on human temperament. Pazhuhesh Name-E Akhlagh. 2019; 11(42): 55-74 (Persian).
44. Tamimi Amedi A. Tasnif Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalam. Qom: Daftar Tablighat; 1987.
45. Nouri Tabarsi H. Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il. Qom: Al-Bayt Foundation; 1988.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]

46. Sayyid Razi M. Nahj al-Balaghah. Qom: Hijrat; 1994.
47. Ibn Abi Al-Hadid AH. Explanation of the approach to rhetoric by Abi Al-Hadid. Qom: Maktab Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi; 1984.
48. Hashemi Khoei H. Minhaj al-Bara'a fi Sharh Nahj al-Balaghah. Tehran: Maktab al-Islamiya; 1980.
49. Razi M. Al-Mansouri in medicine Razi. Kuwait: The Arab Education, Culture and Science System; 1988.
50. Razi M. Your treatises on medicine by Galen and Razi. Tehran: Iran University of Medical Sciences; 1988.
51. Razi M. Philosophical essays. Damascus: Beginnings; 2005.
52. Razi M. Al-Tab Al-Rouhani. Tehran: Institute of Islamic Studies, University of Tehran; 1999.
53. Ibn Ishaq H. The minor industry. Cairo: The Egyptian Egyptian Public Library; 1988.
54. Ibn Ishaq H. Fi Farq al-Tab al-Mutalimin. Cairo: Dar al-Kitab Press; 1977.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-13]